

دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه ادیان، سال ۱۶، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۲۵۵-۲۸۱ (مقاله پژوهشی).

سیر تحول نگاه غربی‌ها به اسلام

رئوف نصرتیان^۱

شهرام پازوکی^۲

چکیده

۲۵۵
پژوهشنامه ادیان

سیر تحول نگاه غربی‌ها به اسلام

مطالعات اسلامی در غرب تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. تامل در این تاریخ پر فراز و نشیب چیزهای زیادی را درباره دیدگاه‌های امروزیین غربیان و مسلمانان درباره هم و نیز تعاملاتشان با هم به ما می‌گوید؛ چرا که گاه دیدگاه‌های کنونی، محصول میراثی از مواجهه و تعامل در گذشته است و در مواردی دیدگاه‌های منفی ریشه در گذشته‌های دور دارد. این مقاله با مطالعه تاریخ اندیشه غرب نسبت به اسلام، از ابتدای ظهور اسلام تا قرن بیست و یکم نگاهی دیگر را به مخاطبان فارسی زبان عرضه می‌کند. در این نگاه تلاش شده فارغ از بازه‌های تاریخی و با مکاتب جغرافیایی در مطالعات اسلامی، الگوهای مهم در این تاریخ کشف شود. این الگوها عبارتند از الگوی کتاب مقدسی، الگوی جدل، الگوی تاریخی-علمی، الگوی پدیدارشناسی و الگوی تمدن جهانی. این پنج الگو به گونه‌ای معرفی شده‌اند که تأثیرات هر کدام بر شکل‌گیری الگوی بعد از خود مشخص و شاخص‌ترین نمایندگان و آثار آنها نیز معرفی شود. مطالعه این مقاله می‌تواند اندیشه‌های جدیدی را در ذهن پژوهشگران علاقه‌مند به مطالعات اسلام ایجاد کند و مقدمه نگارش مقالاتی جدید گردد.

کلیدواژه‌ها

تاریخ مطالعات اسلامی در غرب، مجموعه کلونیایی، روش تاریخی‌نگری، روش پدیدارشناسی، تمدن جهانی.

۱. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
ra.nosratian@gmail.com

۲. استاد گروه ادیان و عرفان، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
pazouki@irip.ir

از زمان ظهور اسلام تا کنون مسلمانان و پیروان دو دین ابراهیمی دیگر در مغرب زمین، در موضوعات مختلفی اعم از دینی و فلسفی، بر تفکر و فرهنگ بشری تأثیرگذار بوده‌اند. اما دیدگاه پیروان این سنت‌های دینی در شرایط زمانی و مکانی مختلف درباره هم یکسان نبوده است. بر این اساس، برای این که فهم دقیقی از ابعاد امروزی تفکرات میان فرهنگی کسب کنیم، ناگزیر باید تاریخ این تفکرات را بازخوانی کنیم و تصویر صحیحی از این تاریخ در ذهن داشته باشیم. تحقق گفتگوی حقیقی میان ادیان نیز در مواردی نیازمند آن است که به گذشته‌های دور سفر کنیم و سیر اندیشه‌های سنت‌های دینی درباره هم را مطالعه کنیم تا بتوانیم ریشه برخی از اندیشه‌های کنونی را درک کنیم و اگر این مهم انجام نشود گفتگو نتایج لازم را نخواهد داشت.

مطالعات غربیان درباره اسلام، تاریخی شاید به اندازه تاریخ اسلام داشته باشد و آثار و مجموعه‌های بسیاری در این موضوع در گذشته و حال نوشته شده است. شاید مهم‌ترین این آثار، مجموعه‌ای است با عنوان تاریخ روابط میان مسیحیان و مسلمانان؛ متون و مطالعات^۱ از انتشارات بریل که تا کنون ۴۷ جلد از آن چاپ شده است. در این مجموعه منابع معتبر، اعم از متون ویرایش شده، ترجمه‌ها، و نیز آثار نویسندگان، مطالعه شده و مجموعه‌ای از تحقیقات با ساختار مشخص و با در نظر گرفتن دوره‌های تاریخی شکل گرفته است. این اثر، تاریخی از تعامل را روایت می‌کند که گرچه در مواردی مثبت ارزیابی می‌شود ولی در موارد بسیاری مشحون از سوء تفاهم و کژفهمی نسبت به یکدیگر است. نویسندگان این مجموعه تلاش می‌کنند از طریق معرفی بهتر این تاریخ تفکر و تعامل، به بهبود شناخت مسیحیان و مسلمانان در آینده کمک کنند. کتاب اسلام و غرب^۲ اثر نرمن دانیل، و نیز ساراسن‌ها؛ اسلام در اندیشه اروپای قرون وسطا^۳ نمونه‌های

1. David Thomas and Alexander Mallett (ed), *The History of Christian-Muslim Relations, Texts and Studies*, Leiden, Brill, 2003.
2. Norman Daniel, *Islam and the west: the making of an image*, University of Edinburgh, 1960.
3. V. Tolan, John, *Saracens: Islam in the Medieval European Imagination*, Yew York, Columbia University Press, 2002.

دیگری از آثاری است که در موضوع تعامل جهان غرب با اسلام نوشته شده است. در سال‌های اخیر نیز کتاب روش‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب، گفتارهایی از عبدالعزیز ساشادینا^۱ به زبان فارسی تدوین و نیز کتاب نگرش‌هایی به اسلام در مطالعه ادیان^۲ ترجمه شده است که از معدود آثاری هستند که در این زمینه وجود دارند. کتاب اقتدا به محمد^۳ نیز از جمله آثار شایان ذکر در موضوع شناخت غربیان نسبت به اسلام است که دید بسیار دقیقی درباره وضعیت کنونی اسلام در غرب و برخی دلایل آن به خواننده می‌دهد.

۲۵۷
پروشمنامه ادیان

سیر تحول نگاه غربی‌ها به اسلام

جنبه نوآوری این تحقیق در آن است که صرفاً بر تاریخ مطالعات اسلامی در غرب تمرکز کرده است و الگوهای مختلفی را که در طول این تاریخ وجود دارد با روشی توصیفی-تبیینی احصا و ویژگی‌ها و نمایندگان هر کدام از این الگوها را معرفی می‌کند.

الگوی کتاب مقدسی

این دوره هم‌زمان با ظهور اسلام، در قرن ششم میلادی، شروع می‌شود و تقریباً تا آغاز جنگ‌های صلیبی در مغرب‌زمین ادامه دارد. کلیسای شرقی بیشتر از طریق مباحثات کلامی و مجادلات دینی که در میانه قرن نهم تا یازدهم صورت گرفت شناخت نسبی از اسلام (هرچند با اهداف جدلی) پیدا کرد. این مناظرات کلامی غالباً در ملاء عام یا در حضور خلیفه و یا یکی از بزرگان برگزار و به وسیله متکلمین رهبری می‌شد. نسطوریان، مونوفیزیت‌ها و کلیسای شرقی در اوایل قرون وسطی ارتباط کمی با امپراتوری روم داشتند ولی در عین حال در مراسم اجتماعی، گفتگوهای عمومی و مناظرات با مسلمانان (و با یکدیگر) شرکت می‌کردند که این کار نیازمند آگاهی از عقاید مسلمانان، گرچه برای رد کردن عقاید آن‌ها، بود.

۱. عسگری، یاسر و نوروزی فیروز، رسول، روش‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب، گفتارهایی از عبدالعزیز ساشادینا، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.
۲. نگرش‌هایی به اسلام در مطالعات ادیان، ویراسته ریچارد سی مارتین، به کوشش و ویرایش مهرداد عباسی، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۹۶.
۳. ارنست، کارل، اقتدا به محمد (ص)، ترجمه قاسم کاکایی، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۹۴.

در چنین فضایی به طور معمول مجموعه‌ای از متون در له یا علیه ادیان موجود شکل می‌گرفت؛ به طور نمونه می‌توان به دفاعیه‌کنندگی فیلسوف مسلمان و یا آثار یوحنا دمشقی^۱ از آباب یونانی کلیسا اشاره کرد. از یوحنا دمشقی آثار بسیاری به جا مانده که در آنها به اسلام و مسلمانان تاخته است و تلاش کرده با اثبات نادرستی دین اسلام، از مسیحیت دفاع کند.^۲ گاه مسیحیان او را از قهرمانان مواجهه مسیحیت با اسلام معرفی کرده‌اند و مدعی شده‌اند که شناختش نسبت به قرآن و اسلام از مسلمانان عادی بیشتر بوده است.^۳ در این میانه مطالبی هم یافت می‌شود که نشان از نوعی دیدگاه مثبت درباره اسلام است؛ لذا نمی‌توان گفت تمام دیدگاه‌های موجود در امپراتوری شرقی نسبت به اسلام در آن دوره منفی بوده است. به طور نمونه امپراتور لئوی سوم در پاسخ نامه عمر بن عبدالعزیز خلیفه اسلامی که از او درخواست می‌کند راجع به ایمان مسیحی برایش توضیح دهد، می‌نویسد مسیحیان و مسلمانان به خدایی واحد معتقدند و در بسیاری از موضوعات موضع مشابهی دارند.^۴

در مقابل، مسیحیت غربی، اوضاع کاملاً متفاوتی داشت. در این دوران مسیحیت غربی، به خلاف کلیسای شرق، هیچ‌گونه تجربه هم‌زیستی و هم‌سخنی با مسلمانان را نداشت و همین سبب شده بود که در شرایط جهل نسبت به اسلام و مسلمانان به سر برد. لذا می‌توان برای توصیف این دوره از عنوان جهل اولیه نسبت به اسلام نیز استفاده کرد. وقتی می‌گوییم جهل، مرادمان جهل مطلق نیست؛ بلکه از دوره‌ای سخن می‌گوییم که در آن تحقیق و پژوهش جدی درباره اسلام وجود نداشت. دیدگاه اروپاییان در طول قرون وسطی برگرفته از مفاهیم کلامی و کتاب مقدس بود؛^۵ بر این اساس آنها در این

1. John of Damascus

2. Goddard, Hugh, *A History of Christian-Muslim Relations*, Edinburgh University Press, 2000, p.59.

3. Sahas, Daniel, *John of Damascus on Islam: The "Heresy of the Ishmaelites"*, Leiden, Brill, 1972, p.75.

4. Ibid.

۵. البته در دوره حکمت مدرسی آثاری با رویکرد جدلی شکل گرفت که از جمله می‌توان به جامع علیه منکران (*Summa Contra Gentiles*) اثر توماس آکویناس اشاره کرد که هدفش اثبات حقایق مسیحیت در مقابل سایر ادیان به ویژه اسلام بود.

دوره اعراب (ساراسن‌ها^۱) را مردمی از تبار ابراهیم می‌دانستند که از طریق پیوند او با هاجر و تولد فرزندش اسماعیل به وجود آمده‌اند.^۲

نکته‌ای که در این زمینه باید به آن توجه داشت این است که تعبیر کتاب مقدس از اعراب، مربوط به سال‌ها پیش از ظهور اسلام و پیامبر اسلام است. همین سبب می‌شد اروپاییان که غیر از کتاب مقدس هیچ منبعی برای شناخت مسلمانان نداشتند، شدیداً دچار اشتباه شوند. برای درک بهتر این مطلب کافی است به تفاسیر کتاب مقدس که در قرون هشتم تا یازده میلادی در مغرب زمین نوشته شده است مراجعه و دیدگاه مفسران مسیحی را درباره اعراب و مسلمانان بررسی کنیم. یکی از مهم‌ترین مفسران این دوره فردی است به نام بَدِ ارجمند^۳ (۶۷۳-۷۳۵). او راهبی انگلیسی در دیر پطرس مقدس بود که کتاب مشهورش تحت عنوان تاریخ دینی مردم انگلیس^۴ سبب شد تا به عنوان پدر تاریخ انگلستان شناخته شود. او که بعد از ظهور اسلام زندگی می‌کند در تفسیر آیه ۴۳ باب هفتم کتاب اعمال رسولان، که در آن خداوند از بنی اسرائیل به سبب نافرمانی و بت پرست شدنشان شکایت می‌کند، می‌گوید ستاره‌ای که بنی اسرائیل به پرستش آن اقدام کردند ستاره رمفان^۵ بود و ادامه می‌دهد این ستاره همان ستاره لوسیفیر^۶ است که در باور ساراسن‌ها ونوس^۷ را به بند می‌کشد. بَد سپس توصیفات را درباره باور به روح شر و شیطانی در میان اعراب جاهلی بیان می‌کند و این باورها را به اعراب مسلمان تعمیم می‌دهد. جان تولان از نویسندگان مطرح روابط اسلام و مسیحیت در قرون وسطی پس

۱. ساراسن (Saracens) اصطلاحی با بار معنایی بسیار منفی بود که اروپاییان در سده‌های میانه برای عرب‌ها و پس از آن برای اشاره به همه مسلمان‌ها به کار می‌بردند. برای اطلاع بیشتر از معنا و وجه تسمیه ساراسن ر.ک: رزمجو، جمال، «تحول اصطلاح ساراسن و کاربست آن در میان اروپاییان تا پایان سده سیزده میلادی»، مطالعات تاریخ اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۹۲

۲. سی مارتین، ریچارد، «پیشینه مطالعات اسلامی در غرب»، ترجمه حسن اسلامی، آئینه پژوهش، ۱۳۷۷.

3. Venerable Bede

4. Ecclesiastical History of the English People

5. Remphan

۶. لوسیفیر در لغت به معنای روشنایی صبح است. در مسیحیت بزرگترین ملائک بوده است که پس از نافرمانی خدا از بهشت به جهنم فرستاده شده شبیه به شیطان در دین اسلام.

۷. نام لاتینی سیاره زهره است. ونوس برگرفته از نام خدای عشق و زیبایی روم باستان است.

از بیان نمونه‌های دیگری از تفاسیر بد، می‌گوید ریشه برخی از تصورات اشتباه امروزی در باره مسلمانان در مغرب‌زمین، محصول چنین تفاسیری از کتاب مقدس است. او می‌گوید بد و امثال او آنقدر نسبت به مسلمانان بی‌اطلاع بوده‌اند که هرگز حتی فکر هم نکردند که دین اعراب ممکن است طی این چند قرن تغییر کرده باشد! و در این فرایند تغییر دین مثلاً ستاره رمفان جایگاه خود را از دست داده باشد.^۱ در عین حال بد در جاهایی به عدم شناخت کلیسای غربی از اسلام و مسلمانان در دوره پیش از جنگ‌های صلیبی اعتراف می‌کند و می‌گوید تصویر او از عرب‌ها برگرفته از دوران کودکی اوست چرا که وقتی که کودک بود ساراسن‌ها (عرب‌ها) یک تهدید دور و مبهم دانسته می‌شدند.^۲

طی چهار قرن بعد تا آغاز جنگ‌های صلیبی، اروپاییان نسبت به دین و مردمی که در نزدیکی آنان در اسپانیا در حال بالیدن بودند در بی‌خبری کامل به سر می‌بردند. در خود اسپانیا هم که تحت حاکمیت مسلمانان بود، شرایط چندان متفاوت از جاهای دیگر اروپا نبود! نمونه بارز و مستندی که در کتب تاریخ اسلام و مسیحیت وجود دارد و مؤید بی‌اطلاعی مسیحیان اسپانیا نسبت به اسلام است، ماجرای است که با عنوان «جنبش شهیدان»^۳ در اسپانیای اسلامی از آن یاد می‌شود. جنبش شهیدان واکنشی بود به گسترش سریع فرهنگ اسلامی در اسپانیا و رهبران آن معتقد بودند اسلام مقدمه و پیشاهنگ ظهور دجال (ضد مسیح) است و می‌گفتند که از کتاب مقدس می‌توان این باور را اثبات کرد. به دنبال این جنبش مجموعه‌ای از درگیری‌های خونین میان حکومت اسلامی و مسیحیان اسپانیا به وجود آمد. هر چند جنبش شهیدان در قرن نهم میلادی اتفاق افتاد، اما تأثیری عمیق بر عقاید مسیحیت غربی درباره اسلام داشت. چنان که خانم کارن آرمسترانگ، سیر شکل‌گیری دیدگاه غربیان راجع به اسلام را از همین جنبش شروع می‌کند و آن را در شکل‌گیری دیدگاه غربیان نسبت به اسلام دارای اهمیت زیادی می‌بیند.^۴

1. V. Tolan, John, p75.

2. Ibid, p.72.

3. the Spanish Martyrs' Movement

۴. آرمسترانگ، کارن، محمد (ص): زندگی‌نامه پیامبر اسلام، ترجمه کیانوش رحمتی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۳.

این بی‌خبری و عدم توجه به سایر ادیان به ویژه اسلام دلایل خاص خود را داشت. مهم‌ترین دلایل این امر را می‌توان در عدم آشنایی کامل به زبان عربی و میراث اسلامی از یک سو و مشغول بودن مسیحیت غربی در مرزهای شمالی و شرقی در سوی دیگر دانست. اروپا از زمان پاپ گریگوری کبیر تمرکز و توانش را بر مرزهای شمال غربی و شرقی معطوف کرده بود. بزرگ‌ترین معضل مبلغان مسیحی نیز اقوام کافر ساکن در مرزهای شمالی امپراتوری رم غربی بود چنان که راهبان مسیحی از ایتالیا، جنوب فرانسه و ایرلند در حال تبلیغ کتاب مقدس در مناطق شمالی بودند؛ اما در زمان پاپ اوربان دوم^۱ سیاست مسیحیت غربی که قبل از آن بر مبنای دیدگاه گریگوری کبیر جنبه تبلیغی و تشریری داشت تغییر کرد. او شدیداً از جانب مسلمانان احساس خطر کرد؛ مسلمانانی که دیگر پا را از محدوده سیسیل و اسپانیا فراتر گذاشته بودند و به سوی مناطق مرکزی اروپا در حال پیشروی بودند. لذا در سال ۱۰۹۵ پاپ اوربان فرمان آغاز جنگ‌های صلیبی را داد و این جنگ‌ها رسماً آغاز شد.

الگوی جدلی

در دوره‌ای که میان مسلمانان و صلیبی‌ها، جنگ و منازعات جدی برقرار بود، شاید مطالعه و تحقیق درباره دین مهاجمان مسلمان، کاری حاشیه‌ای دانسته می‌شد و بیشترین تلاش کلیسا، دفع خطر نظامی مسلمانان بود. در این میان تعدادی از الهیدانان مسیحی دیدگاه متفاوتی داشتند. آنها معتقد بودند باید بر تعالیم و آموزه‌های اسلامی تمرکز کرد و با اثبات نادرستی تعالیم اسلامی، با گسترش اسلام و مسلمانان مبارزه کرد. تلاش‌های این افراد الگوی جدیدی را در مطالعات اسلامی در مغرب زمین رقم زد که می‌توان با تعبیر الگوی جدلی از آن یاد کرد. افراد مؤثر این الگو تفاوت چندانی با فرماندهان جنگ‌های صلیبی نداشتند؛ فقط جنگی که آنها فرماندهی می‌کردند در عرصه نظر و مباحثات کلامی بود. از جمله مهم‌ترین این افراد عبارتند از: پیتر ارجمند^۲ (۱۱۵۶-۱۰۹۴)،

۱. پاپ اوربان دوم (Pope Urban II) از هیران فرانسوی کلیساست که در سال ۱۰۸۸ به مقام پاپی رسید و به سبب دستور شروع جنگ‌های صلیبی شهرت یافت.

2. Peter the Venerable

ریموند لول^۱ (۱۳۱۶-۱۲۳۲)، نیکولاس کوسا یا نیکولاس کوزایی^۲ (۱۴۶۴-۱۴۰۱) و مارتین لوتر^۳ (۱۵۴۶-۱۴۸۳) که در ادامه آرای سه تن از آنها را بررسی خواهیم کرد.

پیتر ارجمند

پیتر ارجمند متولد شهر اوورنی^۴ در کشور فرانسه است. در ۱۱۲۲ در حالی که ۲۸ سال سن داشت رئیس دیر کلونی فرانسه شد. پیتر ارجمند از همان ابتدا به برخی موضوع گیری‌ها در جریان جنگ‌های صلیبی انتقاد داشت و همین انتقادات انگیزه او را برای مطالعه اسلام بیشتر می‌کرد. او در هر جایی که برای سران صلیبی نامه نوشت نگفت کسانی که در مقابلشان می‌جنگند ذاتا دشمن هستند بلکه او معتقد بود تا زمانی که منکر نجات به واسطه مسیح هستند دشمن هستند. او معتقد بود در جنگ‌های صلیبی باید بنا را بر تبشیر گذاشت و اعراب و مسلمانان را به تغییر دین تشویق کرد نه اینکه با هدف نابود کردن آنها پا به میدان گذاشت.^۵

پیتر ارجمند که درست همزمان با شروع جنگ‌های صلیبی، حدود سال ۱۱۴۲، به تولدو سفر کرده بود، پس از آشنایی با فعالیت‌های انجام گرفته در این مرکز، تصمیم گرفت تا فعالیتی بزرگ را برای مطالعه و آشنایی با اسلام با اهداف تبشیری شروع کند. این تحقیقات که به سبب ریاست پیتر ارجمند بر فرقه کلونی، به «تحقیقات کلونیایی»^۶ معروف شد^۷، سرآغاز عصر تازه‌ای در مطالعات اسلامی در مغرب زمین شد و کانون جدیدی را برای مطالعه اسلام ایجاد کرد. اهمیت این طرح برای غربیان به این سبب بود که در زمانی شکل گرفت که آنها تقریباً هیچ چیزی راجع به اسلام نمی‌دانستند و هر چیزی درباره اسلام برای آنها به منزله نوعی کشف به حساب می‌آمد.

1. Ramon Lull

2. Nicholas of Cusa

3. Martin Luther

4. Auvergne

5. Kritzeck, James, *Peter the Venerable and Islam*, Princeton University Press, 1964, p.22.

6. Cluniac scholarship

۷. در عربی و گاه فارسی عنوان «مجموعه طلیطله» برای این آثار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

حاصل فعالیت پیتر و همکارانش، ترجمه پنج اثر راجع به اسلام به زبان لاتین شد: افسانه ساراسن‌ها^۱، کتاب نسب محمد (ص)^۲، تعالیم محمد (ص)^۳ و مهم‌ترین و جریان‌سازترین اثر در این مجموعه یعنی ترجمه کامل قرآن به لاتین اثر رابرت کتون^۴.^۵ این ترجمه که اولین ترجمه قرآن به زبان‌های غربی محسوب می‌شود مرجع تمامی ترجمه‌های اروپایی پس از خود شد؛ اما نقدها و انتقادات جدی بر این ترجمه وارد است که محققان را بر آن داشته که یکی از دلایل دیدگاه منفی نهادینه شده در میان مسیحیت غربی نسبت به اسلام، ریشه در این ترجمه و سایر متونی دارد که با استفاده از آن نوشته شده است؛ چرا که این اثر یک ترجمه صرف نبود، بلکه انواع حمله و انتقاد و القاء شبهه نسبت به اسلام و قرآن و پیامبر به آن اضافه شده بود.^۶ در عین حال مهم‌ترین کتابی که خود پیتر درباره اسلام و عقاید آن نوشته کتابی است با عنوان «مختصری در باب بدعت ساراسن‌ها»^۷.

مجموعه کلونیایی برای پیتر اهمیت بسیاری داشت. او در نامه‌ای که به یکی از رهبران کلیسا به نام برنارد کلروو^۸ نوشت گفت: «هدف ما در انجام این طرح، ادامه دادن سنت آبابی کلیسا بوده است؛ آنها نیز هرگز در مقابل بدعت‌های زمانه خود سکوت نمی‌کردند و از طریق قلم یا زبان با بدع مقابله می‌کردند ... کلیسای خداوند همواره چنین وظیفه‌ای را برعهده داشته است و با دست‌ان توانمند باغبانان و نگهبانان‌اش، علف‌های هرز و بوته‌های خاری که برای مزرعه الهی (دین الهی) مضر هستند از ریشه کنده شده‌اند...» و می‌گوید همان انگیزه و نیروی محرکی که آباء و قدیسان را در آن

1. Fabulae Sacacenorum

2. Liber Generationis Mahumet

3. Doctrina Mahumet

4. Robrt of Ketton

5. Ibid, pp 30-35

۶. معایرجی، حسن، «نخستین ترجمه‌های لاتینی قرآن کریم و تاثیر آن بر ترجمه‌های قرآن به زبان اروپایی» آئینه پژوهش، ۱۳۷۱، شماره ۱۳.

7. liber contra sectam sive haeresim Saracenorum

8. Bernard of Clairvaux (1090-1153)

زمان به بذل چنین تلاش‌هایی وامی داشت، همان‌ها امروز من را واداشته که دست به چنین اقدامی بزنم.^۱ پیتر در مقدمه یکی از شرح‌هایش بر ترجمه‌های تولدو می‌نویسد: «من با سپاه و نیروی نظامی به تو حمله نمی‌کنم آنگونه که برخی از ما چنین می‌کنند، من با کلمات به جنگ تو می‌آیم، نه به زور که با منطق، نه با نفرت که با عشق با تو مقابله می‌کنم.» او تاکید می‌کرد که کلیسا شمشیر ندارد، اما در عین حال با تقدیم نماز و دعا به دومین جنگ صلیبی کمک می‌کرد.^۲

با شواهد بسیاری می‌توان ادعا کرد که تحقیقات پیتر ارجمند صحنه دیگری از جنگ‌های صلیبی را به تصویر می‌کشید که در عرصه نظر و اعتقاد در جریان بود. در واقع پیتر ارجمند دل‌وایس مرزهای امپراتوری زمینی مسیح نبود؛ بلکه دل‌وایس مرزهای ایمان مسیحی بود. در عین حال او بر این باور نیز بود که با کارش به مسلمانان خدمت می‌کند و آنها را از گمراهی نجات می‌دهد.^۳ متون ترجمه شده در این مجموعه کلونیایی نیز، خواه توسط خود پیتر انتخاب شده باشد و یا توسط فرد دیگر، کاملاً در جهت خدمت به همین اهداف بود. در این میان آنچه مایه تاسف است این است که تحقیقات پیتر ارجمند، مبنا و مرجعی برای تحقیقات دوره‌های بعد راجع به اسلام شد و همین موضوع بسیاری از نگرش‌های منفی نسبت به اسلام و مسلمانان را بنا نهاد که تا به امروز ادامه یافته است.

رامون لول

رامون لول^۴ (۱۳۱۶-۱۲۳۲) نفر دوم فهرست محققان درباره اسلام در قرون وسطی است. آنه ماری شیمل او را از افراد مهم در زمینه آشنا کردن اروپاییان مسیحی با فرهنگ و اندیشه‌های اسلامی، می‌داند و درباره او می‌گوید اولین تماس اروپاییان با تصوف را می‌تواند در قرون وسطی و در آثار عارف و دانشمند مسیحی رامون لول

1. Ibid. pp 37,38.

2. Kedar, Benjamin. *Crusade and Mission*, Princeton University Press p. 100.

3. Goddard, Hugh, p.95.

۴. به کاتالان: Ramon Llull و به انگلیسی Raymond Lully

جستجو کرد؛^۱ این تعبیر بیانگر آشنایی این شخصیت با سنت اسلامی در قرون وسطی است.

لول نیز در یکی از آثارش به صراحت مخالفت خود را با جنگ‌های صلیبی مطرح می‌کند و فعالیت‌های تبشیری را مؤثرتر از جنگ عنوان می‌کند. او ناتوانی صلیبی‌ها را در بازپس گرفتن سرزمین مقدس از دست اعراب نشانه‌ای از عدم رضایت الهی نسبت به جنگ‌های صلیبی برمی‌شمرد و ادعا می‌کند عیسی به مسیحیان این اختیار را داد که به اجبار برخی قبایل عرب و نیز یهودی را اسیر کنند و به اجبار اصول اعتقادی مسیحیت را به آنها بیاموزند. بعد از آن که آنها شنیدند و فهمیدند بدون هیچ ترسی و واهمه‌ای به مسیحیت تغییر دین دادند. لول معتقد بود جنگ‌های صلیبی هم می‌بایست چنین روشی را تبعیت کنند.^۲ لول در ۱۳۰۵ و در بحبوحه جنگ‌های صلیبی طی نامه‌ای به پاپ کلمنت پنجم روشی تازه را در مبارزه با مسلمانان پیشنهاد داد. او عنوان کرد که رهبران جنگ‌های صلیبی باید مبلغانی مسلط به زبان عربی را نزد سران قبایل اعراب بفرستند تا به آنها اطمینان دهند که در صورت پذیرش ایمان کاتولیکی شهرها و روستاهایشان از دست آنها خارج نمی‌شود. آنها باید با سران قبایل اتمام حجت کنند که در صورت عدم پذیرش مسیحیت، با شمشیر پرشور و درهم‌شکننده صلیبیان کشته خواهند شد. او در جای دیگر می‌گوید کلیسای مسیحی باید همزمان از دو شمشیر استفاده کند شمشیری جسمانی و شمشیری روحانی و کفار را با آنها به حقیقت رهنمون شود. بنابراین پاپ باید اولین کسی باشد که افرادی آگاه و بصیر را نزد اعراب، ترک‌ها و تاتارها بفرستد، افرادی که ترسی از مرگ نداشته باشند، تا بتوانند این اقوام را به ایمان دعوت کنند اما اگر آنها از پذیرش ایمان سرباز زدند، باید با شمشیر جسمانی مواجه شوند.^۳ رویکرد لول با پتر ارجمند تفاوت دارد چرا که لول یک مبلغ مسیحی میان مسلمانان است و هدفش نه نقد اسلام یا مبارزه با آن، بلکه تبلیغ مسیحیت در میان مسلمانان و مسیحی کردن آنها است.

۲۶۵
پروشمنامه ادیان

سیر تحول نگاه غربی‌ها به اسلام

۱. شیمیل، آنه ماری، ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۴۳.

2. Kedar, Benjamin., p.190.

3. Ibid, p. 196.

لول در آثار متعدد تلاش می‌کند روش خود را شرح و توضیح دهد. مهم‌ترین آثار او در زمینه گفتگو و شناخت ادیان که در سال‌های پایانی عمرش نوشته شده‌اند عبارتند از: «فن بزرگ»^۱ (۱۳۰۸-۱۳۰۵) که شامل دو رساله با عناوین درخت علم و کتاب عروج و هبوط عقل است و کتاب «کافر و سه حکیم»^۲ که در آن از روشی گفتگویی استفاده کرده است که به نظر می‌رسد قبل از او در مسیحیت مورد استفاده قرار نگرفته بود.^۳

مارتین لوتر

مارتین لوتر کشیش متجدد و مترجم کتاب مقدس به زبان آلمانی و یک اصلاح طلب مذهبی بود. او تحت تأثیر شدید حملات دولت عثمانی به اروپا در سه رساله که در میان سال‌های ۱۵۲۸ تا ۱۵۳۰ نوشت، وارد درگیری و واکنش علیه اسلام شد. تصویری که اروپائیان هم‌عصر لوتر از گسترش امپراتوری عثمانی در مزرهای خود داشتند، شبیه به تصویری است که ما از حمله مغول داشتیم؛ با این تفاوت که ما از دیانت مغول نگرانی نداشتیم، ولی اروپای مسیحی هم‌زمان خود را در مقابل دو حمله و هجوم می‌دید: «هجوم ترک‌ها» و «نفوذ اسلام». بنابراین لوتر در شرایطی بحرانی درباره اسلام می‌نوشت. از طرفی عثمانیان تا دروازه‌های وین پیشروی کرده بودند و شدیداً آلمان توسط آنها تهدید می‌شد؛^۴ و از طرف دیگر در مقام یک کشیش خود را موظف می‌دانست به سؤال‌ها و شبه‌هایی که در ذهن جامعه مسیحی به وجود آمده بود پاسخ دهد. به طور نمونه مسیحیان سوال می‌کردند که اگر کلیسای مسیح برحق است چرا دائماً شکست می‌خورد و اگر خدای مسلمانان دروغین و شیطانی است پس چرا آنها دائماً پیروز می‌شوند؟! بنابراین همان‌طور برای فهم دیدگاه‌ها و نظرات یک فرد باید درک درستی از اوضاع و احوال حیات او داشته باشیم؛ بدون دانستن شرایط زمانی و

1. Ars Magna

2. Book of the Gentile and the Three Wise Men

3. Bonner, *Selected works of Rammon Llull*, Princeton University Press, 1985, p. 259.

۴. در برخی منابع آمارهای عجیبی در این باره بیان شده است؛ به طور نمونه با استناد به گفته‌های شاهدان عینی بیان می‌کنند ۳۰ هزار نفر از مسیحیان یا کشته شده‌اند و یا به استانبول برده شده‌اند تا در بازار برده‌فروشان به فروش برسند.

مکانی که لوتر، دیدگاه‌هایش را درباره اسلام بیان کرده، دیدگاه‌ها و دلایل اخذ چنین دیدگاه‌هایی از سمت او برای ما به خوبی قابل درک نیست.

لوتر رساله کوتاهی با عنوان «درباره جنگ علیه ترک‌ها»^۱ نوشت و در آن دیدگاهش را درباره اسلام و نسبت آن با مسیحیت بیان کرد. او در رساله‌اش، تحلیلی الهیاتی از وضعیت جهان مسیحیت ارائه می‌کند و شرایط آن روز مسیحیت را نوعی مجازات الهی می‌داند که به سبب گناهکاری و فساد دستگاه کلیسا گریبان گیرشان شده است. به تعبیر او ترک‌های عثمانی خوب مجازات الهی هستند. او حتی با نامگذاری جنگ‌های آن دوره به جنگ صلیبی مخالف بود و اعتقاد داشت این جنگ‌ها، جنگ میان امپراتوری‌هاست و پاپ هم نه به سبب ایمان مسیحی، بلکه به سبب منافع دستگاه پاپی در این جنگ‌ها شرکت کرده است.^۲ او می‌گوید پاپ حکم جهاد داد؛ اما نه علیه ظالمان و ستمگران بلکه علیه ترک‌هایی که خودشان نتیجه ظلم‌ها و ستم‌های دستگاه کلیسایی هستند.^۳

در چنین شرایطی، لوتر به این نتیجه رسید که بی‌توجه به مرزهای زمینی کلیسا و بدون اهمیت دادن به جنگ‌های صلیبی، باید از ایمان مسیحی دفاع کند. او برای دفاع از ایمان مسیحی روش خاصی برگزید که با گذشتگان متفاوت بود. مارتین لوتر در نامه‌ای که به شورای بازیل نوشت تاکید کرد که از نظر او هیچ چیزی بیشتر از ترجمه قرآن و سایر کتب اسلامی سبب ضربه زدن به مسلمانان نمی‌شود.^۴ به همین سبب در اواخر عمرش در نظر داشت که ترجمه لاتینی کتون از قرآن را به زبان آلمانی نیز ترجمه کند. در عین حال او و محققان هم زمانش شناخت جدیدی از اسلام ایجاد نکردند^۵ و به تعبیر

1. *On War Against the Turk*

2. Luther, Martin, *On War Against the Turk*, 1528, P.8.

3. Adam S. Francisco, *Martin Luther and Islam*, BRILL, 2007, P.67.

4. Kritzeck, James, P. Viii.

۵. به طور نمونه جان کالون فرانسوی، یکی دیگر از رهبران نهضت اصلاحات، نیز درباره اسلام چنین می‌گوید: وقتی ترک‌ها محمد (ص) را در جایگاه پسر خدا قرار می‌دهند و وقتی نمی‌پذیرند که خدا می‌تواند در قالب یک انسان ظاهر شود و جسم بپذیرد، حال اینکه این یکی از اصول ایمانی ماست، بنابراین آنها گمراه هستند و افراد بسیاری را نیز به انحراف می‌کشانند.

ریچارد سی مارتین، در قرن شانزدهم روایت‌های چاپ شده از قرآن و دیگر متون اسلامی در اروپا به شکل وسیعی بر «مجموعه کلونیایی» چهار قرن پیش متکی بود.^۱

الگوی اسلام‌پژوهی علمی-تاریخی

وجه مشترک دین‌پژوهی تا پایان عصر اصلاحات و حتی دوران منتج به عصر روشنگری در این بود که محققان دین، فاقد نوعی روش مطالعه و تحقیق درباره عقاید سایر ادیان بودند از این رو نمی‌توان تعبیر دین‌پژوهی، به معنای علمی آن، را بر این مطالعات اطلاق کرد. مورس جسترو، دین‌شناس مطرح قرن نوزدهم و بیستم میلادی، معتقد است تمامی مطالعات دین‌پژوهانه در مغرب زمین تا پایان عصر اصلاح دینی مصداق بارزی از دین‌پژوهی «غیر روادارانه»^۲ و فاقد روش هستند و می‌گویند: در سراسر عصر اصلاحات و دوران منتج به رنسانس وضعیت مطالعات دینی وضعیت مناسبی نبود و سخنان درباره باورهای دینی مملو از پیشداوری بود. او با انتقاد از مارتین لوتر که در جایی بیان می‌کند «پاپ و ترک‌ها (مسلمانان) یکی هستند و اگر ضد مسیح را یک انسان تصور کنیم روح آن پاپ و جسم آن ترک‌ها هستند»؛ می‌گوید وقتی رهبر نهضتی چنین تفکری درباره مردمان سایر ادیان (و حتی همدینان غیر هم‌نظر با خود) داشته باشد^۳؛ دیگر مردمانی که رهبری او را پذیرفته‌اند چگونه باید فکر کنند؟!^۴.

این رویکردها دوران تلخی را در روابط بشری شکل داد و جنگ‌های بزرگی تحت نام دین اتفاق افتاد با این بهانه که هرکس مثل ما فکر نکند مرتد است. به همین سبب، این مطالعات، فقط هیزم آتش تعصب دینی را بیشتر می‌کرد. در نتیجه محققان تصمیم

۱. سی مارتین، ریچارد، «پیشینه مطالعات اسلامی در غرب»، ترجمه سید حسن اسلامی، آئینه پژوهش، ۱۳۷۷، شماره ۵۴.

2. intolerance

۳. لوتر رساله‌ای دارد با عنوان درباره یهودیان و دروغ‌هایشان (*On the Jews and Their Lies*)، که در بخشی از آن می‌گوید هرگز نباید به یهودیان رحم کرد. آنها نباید از حمایت قانونی برخوردار باشند و این کرم‌های سمی! باید برای همیشه به کار اجباری فرستاده شوند یا اخراج شوند. به نظر می‌رسد لوتر از کشتن یهودیان نیز حمایت می‌کند و می‌نویسد «مقصر ما هستیم که آنها را نمی‌کشیم».

4. Jastrow, Morris, *The Study of Religion*, London, Walter Scott, 1901, p.12-14.

گرفتند روش‌های جدیدی را در دین‌پژوهی اتخاذ کنند که دین را با نگرشی علمی و فارغ از تعصبات مذهبی بشناساند.

قبل از این دوره، دین‌پژوهی در کلیسا و توسط کشیشان و از این رو بیشتر با رویکردی جدلی صورت می‌گرفت؛ برای اینکه بستر برای مطالعات آکادمیک دین فراهم شود باید سه اتفاق می‌افتاد: اول اینکه محققان عرصه دین‌پژوهی لازم بود برای مطالعات آکادمیک دین صرفاً از برخی منابع علمی استفاده کنند؛ یعنی منابعی که در مراکز دانشگاهی تولید می‌شوند؛ پس یکی از شرایط برای شکل‌گیری مطالعات آکادمیک دین این است که مراکز علمی و آکادمیک در این باره توسعه یابند. دوم این که محققان باید روی این به توافق برسند که چه اعمال، عقاید و اشکالی از کارهای جمعی را در مقوله دین دسته‌بندی کنند و چه شاخصه‌هایی سبب می‌شود یک کار جمعی، دینی باشد و دیگری نباشد. این خود موضوع بسیار دشواری است که محققان در آن اختلاف دارند؛ البته در نظر گرفتن این مطلب نیز برای متصف کردن یک مطالعه به مطالعه آکادمیک دین کافی نبود؛ چرا که ممکن بود فردی با گرایش‌های کلامی و جدلی در این زمینه تصمیم بگیرد و هر تفکری را غیر از تفکر خود باطل و در زمره عقاید خرافی و بدعت‌آمیز تلقی کند؛ مانند آنچه که در زمان قرون وسطی در دانشگاه‌های اروپایی و خاورمیانه رایج بود. سومین شرطی که برای تحقق یک مطالعه آکادمیک دینی لازم است این است که فرد محقق باید از تمایزش به اثبات عقاید سنتی ادیان چشم‌پوشد و بجای آن تلاشش را بر فهم و تبیین پدیدارهای دینی مبذول دارد، آن هم به روشی علمی و نه چنان که در جلسات تفتیش عقاید رایج بود.^۱

لزوم توجه به شروط سه‌گانه بالا برای مطالعه آکادمیک دین سبب شد تا با ورود دین به دانشگاه برای اولین بار موضوع روش دین‌پژوهی مطرح شود. به عبارتی این پرسش‌ها که «کدامین روش را باید برای مطالعه دین به کار گرفت؟»، «چگونه می‌توان

1. Gregory D. Alles, "Study of Religion an Overview", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.

دین را به مفهومی قابل تحقیق در مراکز دانشگاهی تبدیل کرد؟» و یا «چگونه می‌توان دین، ایمان و عقیده را همچون یک موضوع «عینی» مطالعه کرد؟» اولین بار در این دوره شکل گرفت.^۱

نتیجه تلاش‌ها و مطالعات دین‌پژوهان در باب روش علمی مطالعه دین در قرون منتهی به روشنگری و عصر جدید، به پیدایش روش تاریخی‌نگری^۲ منتهی شد. ورود این روش به مطالعات اسلامی و استفاده از آن در اسلام‌پژوهی، سومین الگو در مطالعه اسلام، یعنی اسلام‌پژوهی علمی یا اسلام‌پژوهی تاریخی را پایه‌گذاری کرد.

تقریباً تمامی آثاری که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در غرب راجع به اسلام نوشته شده است، جز برخی استثنائات، در زمره این الگوی اسلام‌پژوهی قابل دسته‌بندی هستند. آثار افرادی همچون ایکناس گلدزیهر، مونتگمری وات و پاتریشیا کرون و نیز مجموعه‌های علمی جدیدتر همچون دایره‌المعارف اسلام^۳ و دایره‌المعارف قرآن^۴ که توسط انتشارات بریل منتشر شد، کتاب‌های راهنمای دانشگاهی درباره اسلام، همچون راهنمای قرآن انتشارات راتلج^۵ از جمله این آثار محسوب می‌شوند. اخذ و اقتباس مبانی اسلامی از ادیان ابراهیمی قبل از خود، عدم توجه به مبانی فراتاریخی مثل وحی و الوهیت به سبب عینی نبودن و علمی نبودن این مفاهیم و نیز تاکید بر قیاس، به این معنا که اگر امکان وقوع یک رویداد در زمان حال و برای آدم‌های این عصر وجود نداشته باشد اعتقاد به وقوع شبیه به آن رویداد در گذشته اعتقادی باطل و نادرست است، از مهم‌ترین اصولی است که در این آثار مشترک است. این آثار اسلام را یک پدیده اجتماعی و محصول تحولات تاریخ بشری معرفی می‌کنند و پیامبری حضرت محمد (ص) و اتصال او با الوهیت را باورهای اسطوره‌ای و نه حقیقی، برمی‌شمردند. آنچه در این آثار منعکس شده است ارتباطی با باور مسلمانان ندارد بلکه محصول نقادی تاریخی

۱. عسگری، یاسر و نوروزی فیروز، رسول، ص ۲۲.

2. Historicism

3. *Encyclopedia of Islam*, Leiden, Brill, The second edition 1954–2005.

4. *Encyclopedia of Quran*, Leiden, Brill, 2001-2006.

5. *Routledge Companion to the Qur'an*, London, Routledge, 2021.

متون اسلامی است که در بسیاری موارد باورهای مسلمانان را تایید نمی‌کند و حتی در مخالفت با آن است.^۱

الگوی هم‌دلانه در روش پدیدارشناسی

رویکرد تاریخی که با ادعای مطالعه علمی دین و رها کردن تحقیقات از تعصبات دینی شروع شد هر چند در ابتدا امیدواری‌های زیادی را برای محققان در پی داشت که بتواند مطالعات اسلامی را متحول کند و شناخت غربی‌ها از مسلمانان را بهبود بخشد؛ اما در نهایت انتقادهای بسیاری را برانگیخت. در جهان غرب، عقل‌گرایی عصر روشنگری، موجی از تردید و تشکیک را در باورهای مسیحی به وجود آورد؛ زیرا باورهای مسیحی در تعارض جدی با دستاوردهای بشری قرار گرفته بودند و الهیدانان مسیحی می‌بایست یا تعارض میان آنها را برطرف کنند یا دست به گزینشی سرنوشت ساز بزنند و میان باورهای مسیحی و یافته‌های عقل بشری یکی را انتخاب کنند.

«شرق‌شناسی» نیز که محصول استفاده از روش تاریخی در مطالعه آداب و ادیان مردمان مشرق زمین است در اواخر قرن بیستم به شدت با انتقاد مواجه شد و همین ضربه سنگین انتقاد از شرق‌شناسی سبب شد تا افراد به انگیزه‌های خود در مطالعه «دیگری» با نگاه انتقادی بنگرند.^۲ در میان انتقادهای به شرق‌شناسی، کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید از همه بیشتر معروف شد.

دقیقا در واکنش به این انتقادهای بود که رویکرد «پدیدارشناسی» در مطالعه دین سر برآورد. دانشمندان ادیان معمولا «پدیدارشناسی ادیان» را به منزله یکی از رشته‌های دانشگاهی و رویکردهای مهم ادیان در قرن بیستم محسوب می‌کنند. به طور خلاصه می‌توان گفت پدیدارشناسی با الهام از نهضتی در فلسفه قاره‌ای با همین نام، در پی آن بود تا برای همه جلوه‌های دین در همه فرهنگ‌ها از روش‌های توصیفی محض استفاده کند.

۱. برای اطلاع بیشتر درباره این الگو در مطالعات اسلامی و آشنایی با اصول و نمایندگانش آن رک. نصر تیان، رثوف، «بازشناسی و کارآمدی روش تاریخی‌نگری در مطالعات اسلامی»، پژوهش‌های عقلی نوین، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۱ ص ۵۹-۸۲.

۲. مارتین، ریچارد سی، نگرش‌هایی به اسلام در مطالعه ادیان، ترجمه گروه مترجمان، ص ۲۰.

فان در لیو^۱ از برجسته‌ترین پدیدارشناسان دین است. او در آثارش به تفصیل درباره معرفی روش پدیدارشناسی و کاربرد آن در مطالعه دین سخن گفته است. براساس آنچه او مطرح می‌کند می‌توان به سه ویژگی مهم پدیدارشناسی اشاره کرد که شاید مهم‌ترین نقاط تفاوت آن با تاریخی‌نگری نیز باشند. ابتدا باور به وجود جنبه‌هایی در دین که از دید محقق پنهان هستند ولی وجود دارند و محقق نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد. دوم باور به اینکه اتفاقاً این جنبه است که در فهم دین اصالت دارد و نماینده عناصر وجودی دین است و جنبه‌های ظاهری و عملی دین، صرفاً نمودی از آن ساحت هستند؛ سوم اینکه تمام همت پدیدارشناسی این است که با اصولی که دارد از جنبه‌های ظاهری دین به جنبه‌های وجودی و ناپیدا پل بزند و شناختی معتبر حاصل کند.^۲ به تعبیر دیگر، پدیدارشناسی دین در پی آشکار کردن ناپیداها است یعنی همان چیزی که در ادبیات عرفانی اسلامی با تعبیر «کشف المحجوب» از آن یاد می‌شود.

هرچند طبق بیان سید حسین نصر محققانی که با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی به مطالعه دین اسلام پرداخته‌اند بسیار استثنایی‌اند^۳؛ اما همین افراد نمایندگان الگوی جدیدی در مطالعه اسلام شدند و آثار آنها با استقبال زیادی از سوی مسلمانان مواجه شده است. آنه ماری شیمل، هانری کربن، توشیهیکو ایزوتسو از جمله همین استثنائات هستند که برجسته‌ترین نمایندگان الگوی پدیدارشناسی در مطالعات اسلامی نیز محسوب می‌شوند.

آنه ماری شیمل در مقدمه کتاب «تبیین آیات خدا: رویکردی پدیدارشناسانه به اسلام»^۴ بعد از شرح کوتاهی درباره رویکردهای مختلف به اسلام، درباره اینکه چرا به روش پدیدارشناسی در مطالعه اسلام روی آورده است می‌گوید: «با همه این اوصاف

1. Van der Leeuw

2. See. Leeuw, Gerardus Van der, *Religion In Essence and Manifestation*, Princeton University Press, 1933, P.670-671.

3. Nasr, Seyyed Hossein, *The Heart of Islam Enduring Values for Humanity*, New York, HarperOne, 2002, P. viii.

4. *Deciphering the Signs of God, a Phenomenological Approach to Islam*.

من معتقدم که رویکرد پدیدارشناسانه برای درک بهتر اسلام بهترین روش است. به ویژه آن گونه که فردریش هیلر در مطالعه دین از آن استفاده کرده است.^۱ او می گوید هیلر تلاش می کرد ابتدا با مطالعه پدیدارها و ظواهر دین، به قلب دین وارد شود و پس از آن، مرحله به مرحله پیش برود تا اینکه به درونی ترین هسته هر دین دست یابد. خانم شیمل نیز به همین شکل در کتابش ابتدا ساحت و مقامی را برای اسلام قائل می شود که فوق شرح و بیان است و سپس به تجلیات مختلف یا به تعبیر خود وی «آیات» آن ساحت قدس در فصول مختلف کتاب می پردازد تا از طریق آنها جوهر دین اسلام را کشف کند.

۲۷۳

پروژه شماره ادیان

سیر تحول نگاه غربی ها به اسلام

هانری کربن نیز از جمله کسانی است که اذعان می کند از روش پدیدارشناسی در مطالعه اسلام استفاده کرده است. او با برگرداندن اصطلاح پدیدارشناسی به اصل یونانی آن، به معنای «حفظ یا نجات پدیدار»؛ معتقد است پدیدارشناس باید پدیدارها را صرفاً در همان جایی که رخ می دهند مشاهده کند و از این طریق است که می تواند آن ها را از مرگ حتمی در بستر تاریخ نجات دهد.^۱ او می گوید: «در علوم دینی مواجهه با پدیدارها، بیش از آنکه در منابع ماندگار مشحون از تتبعات انتقادی و یا در تحقیقات متناسب با اقتضات زمانه میسر گردد، در جان های مؤمنان دست می دهد. باید گذاشت تا آنچه بر آن جان ها نمایان شده است بر ما نیز نمایان گردد زیرا امر دین همین است.»^۲ پس پدیدارشناس در پی آن است که از راه عیان ساختن معنای باطن و سر نهان، پدیدارها را نجات دهد. کربن در میان پدیدارهای متفاوت دینی به طور عام و اسلامی به طور خاص بیش از هر چیز بر نجات پدیدار کتاب مقدس تاکید دارد که در سه سنت دینی ابراهیمی حائز اهمیت است.

هانری کربن معتقد است آنچه درباره قران اهمیت دارد، فقط آن چیزی نیست که در معنای ظاهری و به زبان عربی کلاسیک می گویند؛ اگر چنین بود اکنون کتابی مرده و صرفاً مرتبط با زمان نزول می بود. او می گوید برای نجات وحی از این مرگ تاریخی،

۱. کربن، هانری، فلسفه اسلامی و فلسفه تطبیقی، ترجمه جواد طباطبایی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۹، ص ۲۱.

۲. کربن، هانری، اسلام ایرانی، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، انتشارات سوفیا، ۱۳۹۱، ص ۵۲.

قرآن باید در تجربه مؤمنان حاضر شود؛ در نتیجه پدیدارشناس موظف است آن را از چنگ زمان تاریخی اش به درآورد و به زمان موجود پیوند زند و صرفاً از طریق تبدیل قرآن ظاهری و تاریخی، به معنای باطنی آن می‌توان از مرگ آن جلوگیری کرد و آن را به نسل‌های آینده منتقل کرد. این همان چیزی است که به اعتقاد او با آموزه‌های امامان در معرفت شیعی فراهم می‌آید و بنابراین نتیجه پرداختن امامان به رموز معنای باطنی همان «حفظ و نجات کتاب» است که یا از طریق تفسیر کتاب انجام می‌شود (هرمنوتیک) و یا از طریق تاویل معانی و مفاهیم آن صورت می‌پذیرد.^۱

توشیهیکو ایزوتسو اسلام‌شناس ژاپنی نماینده دیگری از الگوی پدیدارشناسی در مطالعه اسلام است. او در روش پدیدارشناسی، خود را ادامه دهنده راه هانری کربن معرفی می‌کند. ایزوتسو در زمینه مطالعات مقایسه‌ای ادیان بسیار سرآمد است و کتابش با عنوان تصوف و مذهب تاؤو نمونه برجسته‌ای از کاربرد روش پدیدارشناسی در مقایسه افکار و اندیشه‌هاست. با این حال در مطالعه اسلام، ایزوتسو بیشتر بر پژوهش درباره قرآن تمرکز کرد.

ایزوتسو در دیباچه کتاب مهم خود با عنوان مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن می‌گوید: «ما می‌توانیم از راه‌های گوناگون به بررسی مفاهیم دینی-اخلاقی قرآن پردازیم. می‌توانیم نظامات پیچیده فقه اسلامی که در دوره‌های بعد به همه جنبه‌های وجوه اخلاق و رفتار انسان، حتی کوچکترین آن، نظم و سامان بخشند آغاز کنیم ... یا می‌توانیم از نظام‌های به همین اندازه پیچیده کلام و الهیات اسلامی آغاز کنیم ... اما آنچه در این کتاب مورد توجه است به کلی از همه اینها و از بررسی‌های مشابه آن، متفاوت است و تفاوت عمده در روشی تحلیلی است که من می‌خواهم به داده‌های قرآنی عرضه کنم. می‌خواهم کاری کنم که قرآن به زبان خود سخن گوید، و خود مفاهیم خود را تفسیر و تعبیر کند.»^۲ لذا از منظر پدیدارشناسی مثل ایزوتسو قرآن نمی‌تواند صرفاً یک سند

۱. چارلز آدامز، نگرش‌هایی به اسلام در مطالعات ادیان، ص ۲۱۳.

۲. ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات فرزانه، ۱۳۸۸،

تاریخی باشد؛ چرا که اگر چنین باشد با گذر زمان آن متن نیز خواهد مرد حال آنکه چنین نیست. قرآن حیات دارد و خودش سخن می گوید.

الگوی تمدن جهانی هاجسون

پدیدارشناسی گرچه نگاهی همدلانه به اسلام و مسلمانان داشت و در میان کشورهای اسلامی نیز بسیار مورد استقبال قرار گرفت ولی انتقادهایی هم به ویژه از سوی مورخان به آن وارد می شد. مهم ترین این انتقادات کم توجهی به تاریخ دین بود. این انتقادات سبب شد تا دین شناس برجسته ای همچون میرچا الیاده معتقد باشد که هیچ کدام از این دو روش به تنهایی کافی نیست بلکه باید به روش های جدیدی روی آورد که هر دوی این روش ها را با هم تلفیق کرده باشد. این روش ها هر چند در زمان الیاده شکل نگرفت، ولی اندکی بعد نوآوری هایی در مطالعات اسلامی به وجود آمد که الگوی جدیدی در این زمینه محسوب می شد.

در سال ۱۹۸۰ میلادی مجمعی از محققان و اسلام شناسان در دانشگاه آریزونا شمالی در ایالات متحده شکل گرفت. شخصیت برجسته آن مجمع پرفسور ریچارد سی مارتین بود. او استاد تاریخ ادیان و مطالعات اسلامی دانشگاه اموری بود و به مدت چند سال ریاست گروه دین این دانشگاه و مرکز تحقیقات آمریکایی قاهره را به عهده داشت. محققان در این مجمع که همگی از استادان مطالعات اسلام و ادیان در دانشگاه های آمریکا و کانادا بودند اتفاق نظر داشتند که مطالعات اسلامی هرگز جایگاه خود را در مطالعات ادیان پیدا نکرده است و همواره به صورت شکننده ای میان شرق شناسی و مطالعات منطقه ای و اقلیمی از یک سو و مطالعات دینی از سوی دیگر معلق مانده است. این محققان معتقد بودند که مطالعات اسلامی باید در پرتو کاربست عملی برخی بینش های نظری و غنای روش شناختی دانش دین، مورد بازاندیشی قرار گیرد.^۱ افراد شرکت کننده در این مجمع تصمیم گرفتند تا از طریق نگارش مجموعه ای از مقالات با موضوع اسلام این هدف را محقق کنند. محصول این اقدام در کتابی تحت

۱. آدامز، چارلز، ص. ۱۶.

عنوان نگرش‌هایی به اسلام در مطالعات ادیان^۱ تحقق یافت که با سرپرستی ریچارد سی مارتین در سال ۱۹۸۶ منتشر شد.

حدود سه دهه بعد یعنی در سال ۲۰۱۰ به همت ریچارد سی مارتین و این‌بار با کمک کارل ارنست، استاد ممتاز اسلام‌شناسی دانشگاه کارولینای شمالی در ایالات متحده و شاگرد آنه ماری شیمل، این مجمع برای دومین بار و با همان دغدغه برگزار شد و قرار بود آنچه در کتاب رویکردهایی به اسلام در مطالعات ادیان ناگفته باقی مانده، در این مجمع و در رسائل برگرفته از آن مجال بحث پیدا کند.^۲ حاصل این مجمع نیز به صورت مجموعه‌ای از مقالات به سرپرستی همان دو استاد با عنوان بازاندیشی مطالعات اسلامی از شرق‌شناسی تا تمدن جهانی^۳ منتشر شد. سی مارتین و ارنست در مقاله‌ای که به صورت مشترک در مقدمه این مجموعه نوشته‌اند می‌گویند که در پی یک رویکرد پساشرق‌شناسانه^۴ در مطالعات اسلامی هستند و مقالات این کتاب را نیز در این جهت سازمان‌دهی کرده‌اند تا مقدمات رسیدن به چنین الگوی جدیدی را فراهم کنند. آنها معتقد هستند که الگوی جدید مطالعات اسلامی را باید در اندیشه‌های مورخ برجسته آمریکایی مارشال جی. اس. هاجسون^۵ جستجو کرد و نویسندگان این مجموعه نیز در مقالاتشان متأثر از او بوده‌اند.^۶

ریچارد سی مارتین درباره روش اسلام‌شناسی هاجسون می‌گوید: «گرایش جاری برای بررسی تطبیقی اسلام در تاریخ جهان، در کتاب سه جلدی مارشال هاجسون (ماجرای اسلام)^۷ متجلی شده است. این کار ممکن است طلیعه سمت و سوی مطالعات

1. *Approaches to Islam in Religious Studies*

این کتاب در سال ۱۳۹۶ به همت مجموعه‌ای از مترجمان با سرپرستی مهرداد عباسی به فارسی ترجمه شد و توسط انتشارات حکمت چاپ شد.

2. W.Ernst and C.Martin, Richard, *Rethinking Islamic Studies from Orientalism to Cosmopolitanism*, The University of South Carolina press, 2010, introduction, p.8.

3. *Rethinking Islamic Studies from Orientalism to Cosmopolitanism*

4. Post-Orientalist Approach

5. Marshall G.S. Hodgson

6. Ibid

7. The venture of Islam

اسلامی در قرن بیست و یکم باشد.^۱ هاجسون از اساتید مطالعات اسلامی و مطالعات جهان و رئیس کمیته مطالعات بین رشته‌ای در دانشکده مطالعات اجتماعی دانشگاه شیکاگو بود. دستاورد مهم هاجسون که می‌توان چیزهای زیادی از آن آموخت، تلاشی است که برای ایجاد یک الگوی جدید برای نگارش تاریخ جهان انجام می‌دهد. هاجسون معتقد بود فقط یک تمدن جهانی وجود دارد و اسلام نیز بخشی از آن است و از آن جدا نیست. او اسلام را در درون تاریخ جهان تعریف می‌کرد و معتقد بود اسلام با سایر ادیان در ارتباط است.^۲ او می‌گوید اگر اسلام نبود هرگز تمدن غربی هم نبود و اسلام در این تمدن غربی و شکل‌گیری آن بدون نقش و تاثیر نیست. کتاب ماجرای اسلام این باور را که مرکز تمدن جهانی غرب است، رد می‌کند و می‌گوید بدون پیشرفت‌هایی که در سرزمین‌های اسلامی اتفاق افتاد، پیشرفت‌های تمدن غربی هرگز اتفاق نمی‌افتاد. هاجسون منحصراً و قاطعانه بر مفهوم فراگیر یک نظم جامع و چند مرکزی جهانی تاکید می‌کند. در چنین شرایطی است که ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در آنچه امروزه حرکت به سمت تمدن جهانی نامیده می‌شود موثر بوده‌اند.^۳ ماجرای اسلام هاجسون نشان می‌دهد که مطالعات رایج غربی باید در بسیاری از دانسته‌هایش درباره تاریخ جهان بازناندیشی کامل انجام دهد. به طور نمونه هاجسون با قرار دادن اسلام و تمدن اسلامی در متن تاریخ جوامع پیشرفته انسانی، کلیشه‌های قدیمی را شکست و گامی بزرگ در جهت نگارش تاریخ از منظری دیگر برداشت. کتاب ماجرای اسلام اثری است که در نهایت در پی آن است که اسلام را از طریق ویژگی‌های برجسته تشکیل‌دهنده‌اش بشناسد و از این رو تلاش می‌کند به جای اینکه بر فرق اسلامی (همچون شیعه و سنی) تاکید کند، دین اسلام را به مثابه یک کل بررسی کند.^۴

۱. مارتین، ریچارد سی، «پیشینه مطالعات اسلامی در غرب»

2. B. Lawrence, Bruce, "Genius Denied and Reclaimed: A 40-Year Retrospect on Marshall G.S. Hodgson's The Venture of Islam", link: (<https://tinyurl.com/y2f63un6>)

3. Ibid.

۴. کتاب ماجرای اسلام مارشال هاجسون و نیز روش دین‌پژوهی او این ظرفیت را دارد که به صورت یک رساله دکتری به زبان فارسی مطالعه شود و قوت‌ها و ضعف‌های آن نسبت به روش‌های پیش از خود ارزیابی گردد. شاید چنین مطالعه‌ای زمینه ساز شکل‌گیری الگوی جدیدی در مطالعات اسلامی باشد.

بروس بی لاورنس از محققان برجسته دین در دو مجمع یاد شده و از کسانی که در روش مطالعه اسلام، راه هاجسون را ادامه می‌دهد، معتقد است روشی که هاجسون پایه گذاری کرد بعد از مرگ او در ۱۹۶۸ متوقف نشد و همچنان اسلام و مسلمانان تلاش می‌کنند تا بخشی از تاریخ جهان باشند.^۱

نتیجه‌گیری

از مزایای نگاه الگوواره‌ای (پارادایمی) به تاریخ این است که تاثیر و تاثر اندیشه‌ها بر یکدیگر را به خوبی نشان می‌دهد. از نظر توماس کوهن، مبدع رویکرد الگوواره‌ای، تاریخ علم، تاریخ جایگزینی الگوها است. نکته شایان توجه اینکه دانشمندانی که درون یک الگو کار می‌کنند، ضرورتاً در همه موارد با هم توافق ندارند؛ یعنی این امکان وجود دارد که درباره کلیت الگو به توافق برسند، بدون آن که درباره تفسیر یا استدلال‌پذیر بودن آن توافقی داشته باشند^۲ و این یکی از نقاط قوت الگوهاست. از سوی دیگر می‌توان فضای حاکم بر یک الگو را زمینه‌ساز ایجاد نوعی آگاهی کاذب دانست، زیرا موضوعاتی که الگو قادر به توضیح آن‌ها نباشد، غالباً هرگز دیده نمی‌شوند و همین جا نقطه شروع نقادی نسبت به آن الگو است. در واقع فرایند تغییر الگو را هم می‌توان ناشی از یک انقلاب علمی و شکل‌گیری یک نظریه جدید، معمولاً در تقابل با الگوی پیشین، دانست.

محصول استفاده از چنین نگاهی در مطالعه اسلام‌شناسی غربیان نشان داد که به رغم اشتراکاتی که برخی از الگوهای مذکور با یکدیگر دارند؛ اما نقدهای وارد بر هر الگو، زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوی جدید در مطالعات اسلامی شده است و الگوی بعد تلاش کرده است تا کاستی‌های الگوهای قبل را برطرف سازد. این یعنی مطالعات اسلامی در غرب روندی تکاملی را طی کرده است و خودش تلاش کرده تا کاستی‌هایش را جبران کند. روش تاریخی به این متهم شد که گرچه در مقام روش اصول و مبانی محکمی

1. Ibid.

۲. کوهن، توماس، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه احمد آرام، تهران، سروش، ۱۳۶۹، ص ۵۶.

دارد ولی در مقام نتیجه همان نتایجی را کسب کرد که مطالعات پیشامدرن کسب کرده‌بودند¹ و پدیدارشناسی نیز از سوی مورخان به این متهم می‌شد که به سبب بی‌توجهی به تاریخ روشی وهمی و غیرعلمی است. دلیل اهمیت روشی که مارشال هاجسون مطرح کرد در این است که سعی کرده است هم نگاه تاریخی و علمی را در خود داشته باشد و هم موضع همدلانه پدیدارشناسی را رها نکند و از این منظر هم برای مسلمانان و هم غیرمسلمانان معتبر است.

۲۷۹

پروژه شماره ادیان

سیر تحول نگاه غربی‌ها به اسلام

1. Norman Daniel, P.13.

فهرست منابع

- آرمسترانگ، کارن، محمد(ص): زندگی نامه پیامبر اسلام، ترجمه کیانوش رحمتی، انتشارات حکمت، ۱۳۸۳.
- ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات فرزانه، ۱۳۸۸.
- سی مارتین، ریچارد، «پیشینه مطالعات اسلامی در غرب»، ترجمه سید حسن اسلامی، آینه پژوهش، ۱۳۷۷.
- شیمیل، آنه ماری، ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
- عسگری، یاسر و نوروزی فیروز، رسول، روش‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب، گفتارهایی از عبدالعزیز ساشادینا، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.
- کرین، هانری، اسلام ایرانی، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، انتشارات سوفیا، ۱۳۹۱.
- _____، فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، مترجم سید جواد طباطبایی، انتشارات توس، ۱۳۹۲.
- کوهن، توماس، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه احمد آرام، تهران، سروش، ۱۳۶۹.
- معایرجی، حسن، «نخستین ترجمه‌های لاتینی قرآن کریم و تاثیر آن بر ترجمه‌های قرآن به زبان اروپایی» آینه پژوهش، ۱۳۷۱.
- Adam S. Francisco, *Martin Luther and Islam*, Liden, BRILL, 2007.
- B. Lawrence, Bruce, "Genius Denied and Reclaimed: A 40-Year Retrospect on Marshall G.S. Hodgson's *The Venture of Islam*", link (<https://tinyurl.com/y2f63un6>)
- Bonner, *Selected works of Rammon Llull*, Princeton University Press, 1985.
- David Thomas and Alexander Mallett (ed), *The History of Christian-Muslim Relations, Texts and Studies*, Leiden, Brill, 2003.
- Goddard, Hugh, *A History of Christian-Muslim Relations*, Edinburgh University Press, 2000.

۲۸۰

پوششنامه ادیان

سال شانزدهم، شماره سی و دو، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- _ Gregory D. Alles, "Study of Religion an Overview", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- _ Jastrow, Morris, *The Study of Religion*, Walter Scott, Paternoster Squaer, London, 1901.
- _ Kedar, Benjamin. *Crusade and Mission*, Princeton University Press, 1984.
- _ Kritzeck, James, *Peter the Venerable and Islam*, Princeton University Press, 1964.
- _ Leeuw, Gerardus Van der, *Religion In Essence and Manifestation*, Princeton University Press, 1933.
- _ Luther, Martin, *On War Against the Turk*, 1528.
- _ Nasr, Seyyed Hossein, *The Heart of Islam Enduring Values for Humanity*, New York, HarperOne, 2002.
- _ Norman Daniel, *Islam and the west: the making of an image*, Edinburugh, 1960.
- _ Sahas, Daniel, *John of Damascus on Islam: The "Heresy of the Ishmaelites"*, Leiden, Brill, 1972.
- _ Tolan, John V., *Saracens: Islam in the Medieval European Imagination*, Columbia University Press, 2002.
- _ W.Ernst and C.Martin, Richard, *Rethinking Islamic Studies from Orientalism to Cosmopolitanism*, The Univercity of South Carolina press, 2010.